

# پدران و فرزندان

## محسن آزموده

تقابل نسلي و رویارویی نسلهاي جديد و قدیم، یکی از نشانه‌هاي زنده بودن و پویایی جامعه و از علایم حیات آن است. اینکه جوان‌ها به علت تغییر و تحولات زمانه و روزگار، باورها و دیدگاه‌ها و خواستها و سلیقه و مطالباتی متفاوت با میانسالان و مهم‌تر از آن آدم‌هاي پیر داشته باشند، از نظر جامعه‌شناختی، امری کاملاً طبیعی است. اگر قرار بود همه فرزندان در طول تاریخ کاملاً مطابق ترجیحات و ارزش‌هاي پدران خود رفتار می‌کردند، هیچ امر نویی پدید نمی‌آمد و انسان‌ها کماکان به شکل اقوام بدوی زندگی می‌کردند. تغییر و دگرگونی امری رایج در زندگی انسان‌هاست و به هیچ عنوان نمی‌توان مانع از وقوع آن شد.

این دگرسانی و تحول، مخصوصاً در عصر مدرن، شتاب و سرعت بسیار چشمگیری یافته است. در عصر پیشامدرن، سطح ارتباطات و تعامل‌هاي انسانی بسیار محدود بود، آشنایی انسان‌ها از دیگر جاها خیلی اندک و ناچیز بود، امکان‌ها و افق‌هاي پیش روی افراد بشر هم بسیار محدود و محدود بود. دختران و پسران، معمولاً طریقی جز راه مادران و پدران پیش روی خود نمی‌دیدند و زندگی‌شان بر همان مسیری به جریان می‌افتاد که زندگی والدین. تغییر و دگرگونی بسیار اندک و ناچیز بود و به قول شاعر «کودکان ناهمگون» بسیار کم بودند. در عصر جدید است که تغییر و دگرگونی سرعتی چشمگیر یافته و به قول آن متفکر، «هر آنچه سخت و استوار می‌نماید، بخار می‌شود و به هوا می‌رود.»

در چنین وضعیتی دیگر بحث بر سر مقابله یا رویارویی با تغییر نیست. باز به تعبیر شاعر، این برف را سر باز ایستادن نیست. در زمانه تجدد، اصل بر دگرگونی است و در برابر بادهای تغییرات نمی‌توان ایستادگی کرد. البته می‌توان چندی مانع از وزیدن آن شد یا خود را به ندیدن و نفهمیدن آن زد، کاری که متصلبان و سنت‌پرستان می‌کنند. اما زمان لاجرم تغییر می‌کند و دگرگونی و حرکت چنانکه بسیاری از اندیشمندان گفته‌اند، در بنیاد عصر جدید در جریان است. بنابراین، موضوع نه نفس تغییر و دگرگونی که نحوه پذیرش آن است، یعنی چگونه با آن کنار بیاییم و چطور آن را در زندگی خود درونی کنیم. نسل نوجوان و جوان، طلایه‌داران اصلی تغییر و دگرگونی در

جوامع بشري هستند. آنها به واسطه پذيرندگي بسيار بالا، توان و نيروي فراوان، فراغت و آسايش نسبي از معضلات زندگي روزمره و پويائي و سياليت قابل توجهشان، بيش از ساير گروه‌ها و اقشار اجتماعي در معرض اين تغييرند و آن را پذيرايند و عامل بسط و گسترش آن در جامعه هستند. ساير اقشار و گروه‌هاي سني جامعه نيز همواره به ايشان مي‌نگرند و به نحوه پيش روي آنها نگاه کرده و آخرين تحولات را با نگاه به آنها دنبال مي‌کنند. چنانکه جامعه‌شناسان مي‌گويند، بهترين روش براي مواجهه با نسل جوان و نوجوان، براي پرهيز از مخاطرات و برخوردهاي راديکال و تند، به رسميت شناختن ايشان، پذيرش اصل تغيير و تفاوت است. نسل‌هاي پيشين براي اينکه در چرخه زمان حذف نشوند، چاره‌اي ندارند جز آنکه به جاي تحميل ديدگاه‌ها و عقايد و باورهاي خود به نسل جوان و نوجوان، ديدگاه‌ها و خواستها و احساسات آنها را پذيرند و با آنها به گفت‌وگو و هم‌صحبتي پردازند. در غير اين صورت، جريان وقفه‌ناپذير تغييرات، به جاي اينکه از مسيرها و کانال‌هاي مطمئن و مشخص، با کمترین ميزان ويراني و خرابي به حرکت خود ادامه دهد، پشت ديوارهاي تصلب و جزم‌اندوشي مسدود خواهد شد و با افزايش فشارها، ناگزير خرابي و آوار به بار خواهد آورد. شك نيست زمان به نفع نسل نوجوان و جوان است. نسل‌هاي پيشين فرصت خود را در بهره‌مندي از زندگي داشته‌اند و اکنون پير و فرتوت هستند و بايد به جوانان اجازه ورود به صحنه و بازيگري دهند. اگر چنين نکنند، مسير پويائي و تغييرات مثبت جامعه را بسته‌اند، راهي که در نهايت و به گواهي تاريخ، گشوده خواهد شد، مساله بر سر هزينه و نحوه اين گشايش است.

منبع: روزنامه [www.iranpress.com](#) 19 [www.iranpress.com](#) 1401